

## تجربه دینی از دو دیدگاه

مجید محب زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه تجربه دینی یکی از مباحث مهم فلسفه دین به شمار می‌رود. شلایرماخر مضامین کتب مقدس را در تعارض با عقل و فهم بشری دید. وی بر این مبنا گوهر و اساس دین را تجربه دینی دانست که از نظر وی تجربه دینی یعنی احساس اتکا و وابستگی مطلق و کامل به منبع و قدرتی که از جهان متمایز است. اما نظرات وی مورد انتقاد بزرگانی چون ویلیام آلتون، فویرباخ، جورج لیندبک، مک گراث و دیگران قرار گرفته است. در این تحقیق با چستی تجربه دینی و تعاریف مختلف آن آشنا می‌شویم. از منظر حضرت آیت الله بهشتی: دین آگاهی از امر متعالی است و تجربه دینی راه یافتن و سرسپردگی در برابر آن امر متعالی است. ایشان تجربه دینی را برای کسی که آن را از سر می‌گذرانند معتبر می‌داند و در کنار براهین عقلانی دلیلی برای اثبات باورهای دینی می‌داند و معتقد است که تجربه دینی ابداع غرب نیست و نباید کام جان را از این منبع فیاض محروم ساخت. به هر حال نگاه دو فیلسوف به تجربه دینی

---

۱. کارشناس ارشد فلسفه اسلامی. تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱

با توجه به فضای فرهنگی دنیای اسلام و مسیحیت متفاوت است زیرا مکتب اسلام بر خلاف مسیحیت به تفکر و تعقل اهمیت فراوان می دهد. در این مقاله نظرات این دو فیلسوف درباره تجربه دینی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** تجربه دینی، فلسفه دین، شهود، بهستی، شلایر ماخر.

\*\*\*

### مقدمه

امروزه فلسفه دین در مراکز دانشگاهی و مجامع دینی به عنوان یکی از شاخه های معرفت بشری مطرح است که به چند و چون درباره محتویات دین می پردازد. انتظار از دین، اعجاز، مسئله الوهیت، زبان دین، تجربه دینی از جمله مباحث این دانش است که فیلسوفان دین با کاوش های عقلانی به بحث و بررسی پیرامون آن ها می پردازند. در این میان تجربه دینی از مباحث مهم فلسفه دین به شمار می آید. امروزه در مجامع علمی تجربه دینی آن چنان اهمیتی یافته است که اکثر فیلسوفان دین پیرامون آن، کتاب یا مقاله ای را به رشته تحریر در آورده و در مراکز دانشگاهی به بحث و تدریس پیرامون این امر مهم همت گمارده اند. این موضوع در میان اندیشمندان سابقه طولانی دارد و ذهن متفکران جهان را به خود مشغول داشته است. در جهان غرب شلایر ماخر آموزه های کتب مقدس را در تعارض با عقل و فهم بشری دید. وی بر این اساس گوهر دین را احساس و توجه به بی نهایت خوانده و آن را از مقولات معرفتی و نظری خارج ساخته است. شلایر ماخر رویکردی کاملاً نوین را در دین بنیان نهاد و اساس دین و دینداری را تجربه دینی دانست، تجربه دینی از دیدگاه وی تجربه ای عقلی یا معرفتی نیست بلکه احساس اتکا و وابستگی مطلق و کامل به منبع و قدرتی است که از جهان متمایز است.

بنابراین به نظر شلایرماخر اساس دین نه فکر است نه عمل، بلکه شهود و احساس است. وی تجربه دینی را آن قدر مهم دانست که مذهب و دین را در احساس و تجربه خلاصه کرد. در ایران نیز بعضی از افراد تحت تأثیر عقاید او قرار گرفته اند و بدون توجه به فضا و فرهنگ مسیحیت و انگیزه های به وجود آمدن ایده تجربه دینی آن را از بستر فرهنگش جدا ساخته و چون وصله ای ناجور به پیروی از شلایرماخر اصل و اساس دین را در تجربه دینی خلاصه نموده اند. اما اندیشمندان بیدار جهان اسلام هم چون حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی و حضرت آیت الله احمد بهشتی به بحث و بررسی روشنگرانه پیرامون موضوع تجربه دینی پرداخته اند و نقاب را از چهره حقیقت فروانداخته و آن را چون خورشیدی برملا ساخته اند.

در این مقاله، تجربه دینی را از منظر آیت الله بهشتی اندیشمند برجسته فلسفه اسلامی و شلایرماخر بررسی می نمایم. نگارنده پس از برگزاری چندین جلسه گفتگو با حضرت استاد بهشتی دریافتم که دیدگاه ایشان درباره تجربه دینی دیدگاهی کاملاً متعادل و به دور از تفریط و افراط است. از دیدگاه ایشان هنگامی که جهان غرب از عقل و نقل سرخوردگی پیدا کرد و پناهگاه قابل اطمینانی برای خود نیافت و فلسفه و کلام مسیحی و محتوای عهدین مرهمی بر آلام او نهاد و راهی به سوی حقیقت بر وی هموار نکرد بهترین چاره را در روی آوردن به تجربه دینی یافت. استاد بهشتی معتقد است که تجربه دینی را خود دین اسلام پی افکنده و در متون معتبر دینی شواهد زنده ای از تجربه دینی داریم و تجربه دینی برای کسی که به آن دست می یابد معتبر است و تجربه دینی ارمغان و ابداع و ابتکار غرب نیست و باید کام جان را از این سرچشمه فیاض ارضا و اشباع کرد.

در این مقاله به بررسی دیدگاه این دو فیلسوف درباره تجربه دینی می پردازیم.

### بیان مسئله

در این مقاله ما به طرح تجربه دینی و چیستی مفهوم آن از دیدگاه شلایر ماخر و استاد بهشتی پرداخته، سپس این موضوع را بررسی کرده ایم که آیا شلایر ماخر و استاد بهشتی از تجربه دینی برای اثبات باورهای دینی استفاده کرده اند یا خیر. سپس به مقایسه دیدگاه دو فیلسوف پرداخته ایم.

شلایر ماخر در نوشته های مهم خویش ادعا می کند که تجربه دینی تجربه ای عقلی یا معرفتی نیست بلکه احساس اتکا و وابستگی مطلق و کامل به منبع یا قدرتی است که از جهان متمایز می شود. مطالعه در آثار شلایر ماخر بیان گر این امر است که اساس دین نه فکر است و نه عمل بلکه شهود و احساس است و آن قدر تجربه دینی را مهم می داند که مذهب و دین را در احساس و تجربه دینی خلاصه می کند و معتقد است که مهم ترین دلیل برای اثبات اصل و اساس دین است.

در مقابل، از دیدگاه حضرت استاد بهشتی، دین، آگاهی از امر متعالی است و تجربه دینی راه یافتن و سرسپردگی در برابر آن امر متعالی است. ایشان ضمن تأکید بر وجود تجربه دینی در منابع اسلامی آن را به عنوان عاملی جهت باورهای دینی می شناسند منتها در کنار ادله عقلانی و براهین فلسفی؛ چرا که مکتب اسلام بر تعقل و تفکر تأکید فراوان دارد. مسلماً از دیدگاه استاد، براهین فلسفی و ادله عقلی از جایگاه ویژه ای در اثبات باورهای دینی برخوردارند. در این پژوهش ضمن بیان چیستی تجربه دینی، به بررسی ابعاد آن از دیدگاه دو فیلسوف پرداخته و سپس دیدگاه آن ها را با یکدیگر مقایسه کرده ایم.

### مقایسه دیدگاه دو فیلسوف درباره دین

ابتدا به مقایسه نظر دو فیلسوف یعنی شلایرماخر و حضرت آیت الله بهشتی در مورد تجربه دینی می پردازیم و شباهت ها و تفاوت های نظر آنان را مورد بررسی قرار می دهیم. قبل از این بررسی لازم است که تعریف دین را از نظر هر دو فیلسوف ارایه دهیم.

فردریک کاپلستون در کتاب تاریخ فلسفه خود می نویسد:

«دین نزد شلایرماخر همانا عبارت است از احساس بنیادی اتکا به بیکران.»

(کاپلستون، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۱۵۹).

حضرت آیت الله بهشتی می فرماید:

«شاید بتوان گفت بهترین و جامع ترین تعریف دین، آگاهی از امر متعالی است.»

(بهشتی، ۱۳۸۶: ص ۲۳۵).

شلایرماخر معتقد است که:

«مذهب به ساحتی دیگر، یعنی ساحت احساسات تعلق دارد مذهب حقیقی

حس و شوقی است که برای تجربه کردن نامتناهی وجود دارد.» (لین، ۱۳۸۰:

ص ۳۸۶).

حضرت آیت الله بهشتی پس از تعریف دین می فرماید:

«دین با صراحت تمام امر متعالی را که انسان هم به او آگاهی دارد و هم در برابر او

سرسپردگی، به ما معرفی کرده است. این که دین، این همه در معرفی امر متعالی

پای می فشارد، به دلیل مبارزه با خطای در تطبیق نیست؟ آیا این نیست که قرآن از

علم بی کران امر متعالی سخن می گوید و مقام علمی او را با ذکر نمونه هایی از

قبیل علم به این که موجود مؤنث چه چیزی را در رحم دارد، رحم ها چه می

کاهند و چه می افزایند و هیچ چیزی نزد او بدون مقدار و اندازه نیست معرفی می

کند برای مبارزه با خطای در تطبیق نیست؟» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

اگر به دقت در تعاریفی که هر دو فیلسوف از دین ارائه می دهند بررسی کنیم تفاوت چشمگیری را ملاحظه می کنیم. شلایرماخر به مسئله احساسات در امر دین اهمیت بسیاری می دهد و می گوید دین و مذهب به ساحتی دیگر یعنی ساحت احساسات تعلق دارد. در صورتی که حضرت آیت الله بهشتی می فرماید دین آگاهی از امر متعالی است. به نظر می رسد علم و آگاهی را نمی توان با احساس برابر دانست و این مهم ترین وجه تفاوت دیدگاه این دو فیلسوف نسبت به اصل و اساس دین است. شلایرماخر دین و مذهب را در احساس خلاصه می کند و ایمان از دیدگاه او را نمی توان به معنای پذیرش آموزه ها دانست. او معتقد است که آموزه های دینی را آن گونه که بسیاری تصدیق می کنند به هیچ وجه نمی توان عالی ترین نقطه مذهب دانست و تمام کسانی که می خواهند به مذهب راه یابند باید آموزه ها را نفی کنند. در صورتی که از دیدگاه حضرت آیت الله بهشتی ایمان به معنی نفی آموزه های دینی نیست بلکه آموزه های دینی خصوصاً اصول دین را باید با دلایل متقن عقلانی پذیرفت و هر کس باید برای پذیرش آموزه های دینی از قبیل توحید، معاد، نبوت و ... به میزان معرفت و دانش خویش به دلایل و براهین علمی و عقلانی استناد نماید. البته شلایرماخر با این مشکل بزرگ روبرو است که دین حضرت مسیح علیه السلام در حال حاضر دینی تحریف شده است که بسیاری از آموزه های دینی آن با دلایل عقلانی و فلسفی سازگاری ندارد. حضرت آیت الله بهشتی در این باره می فرماید:

«اگر متون دینی دست نخورده به یادگار مانده بودند ناقض یکدیگر نبودند، بلکه

اختلاف آن ها در جامعیت و کمال بود. چیزی که جامع تر و کامل تر است ناقض

مرتب‌ه پایین‌تر نیست، بلکه مکمل آن است ولی اگر دینی دست‌خوش تحریف و تغییر شد و اگر دست‌های آلوده حقایق دینی را به نفع خود تغییر دادند نباید انتظار داشت که دینی که مصون از تحریف و تغییر بوده و استوار و برقرار مانده- است مؤید آن باشد.» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

### مقایسه دیدگاه دو فیلسوف درباره تجربه دینی

پس از مقایسه دیدگاه دو فیلسوف درباره دین به مقایسه دیدگاه آن‌ها درباره تجربه دینی می‌پردازیم.

تجربه دینی از نگاه شلایرماخر تجربه‌ای عقلی یا معرفتی نیست بلکه احساس اتکا و وابستگی مطلق و کامل به منبع یا قدرتی است که از جهان متمایز است. (محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

در صورتی که تعریفی که حضرت آیت‌الله بهشتی کاملاً با تعریفی که شلایرماخر ارائه می‌دهد متفاوت است. ایشان اعتقاد دارند که:

دین آگاهی از امر متعالی است و تجربه دینی راه یافتن و سرسپردگی در برابر آن امر متعالی است. (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۳۶)

شلایرماخر تجربه دینی را عقلی یا معرفتی نمی‌داند چون او اساس دین را نه فکر می‌داد نه عمل. بلکه از نظر او دین شهود و احساس است. در صورتی که تجربه دینی از دیدگاه حضرت آیت‌الله بهشتی راه یافتن و سرسپردگی در برابر امر متعالی می‌داند، راه یافتن و سرسپردگی در برابر امر متعالی نه از طریق احساس و شهود صرف، که علاوه بر احساس و شهود، براهین عقلانی و فلسفی بسیار لازم و ضروری است.

از رسول گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ نقل شده که:

«هر کس خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است. بر تو باد به علم و اخلاص که هیچ عملی بدون آن مقبول نیست.»<sup>۱</sup> (مجلسی، بی تا: ج ۲، ص ۳۲، ح ۲۲).  
 بنابراین روایت که مورد وثوق همه علمای اسلام از آن جمله مورد قبول فیلسوف گرانقدر ما می باشد شناخت خدا از طریق معرفت و عقلانیت رخ می دهد. بدین مناسبت ایشان می گوید:

مطالعات درون دینی می گوید دین از معرفت آغاز می شود. دین بی معرفت یعنی دین بی آغاز و دین بی آغاز یعنی دین بی فرجام. امیر مؤمنان که خود دین مجسم است فرمود: اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال التوحیده نفی الصفات عنه؛ آغاز دین معرفت خداست و کمال معرفت خداوند، تصدیق به وجود اوست. (یعنی تصدیق بدون تصور ممکن نیست و اگر کسی معنای واجب الوجود را درست تصور کند، حتماً به وجودش تصدیق خواهد کرد) و کمال تصدیق به وجود خداوند، توحید اوست (یعنی اگر کسی در مرتبه تصدیق به وجود خداوند به کمال برسد و او را به عنوان صرف الوجود و بسیط الحقیقه بشناسد، حتماً به یگانگی او تصدیق می کند؛ چرا که صرف الوجود و بسیط الحقیقه، تکرر و تعدد نمی پذیرد) و کمال توحید خداوند، نفی صفات از اوست (یعنی نفی صفات زاید بر ذات، نه صفات کمالیه ای که عین ذاتند). (بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۶).

بنابراین تجربه دینی از منظر استاد بهشتی تجربه ای صرفاً احساسی نیست که بخواهیم عقل و فکر و معرفت را نادیده بگیریم.  
 هر دو فیلسوف تجربه دینی را امری مهم در شناخت دین تلقی می کنند و لکن دیدگاه آن ها تفاوت های چشمگیری نیز دارد.  
 شلایرماخر اساس دین و دینداری را تجربه دینی می داند و معتقد است که



آموزه ها و مناسک و شعائر دینی از تجربه دینی برمی خیزند و به تعبیری تفسیر تجربه دینی اند. به نظر می رسد این دیدگاه نسبت به تجربه دینی کاملاً افراطی و گزاف است، ولی استاد بهشتی ضمن تأکید بر قبول تجربه دینی، برای کسی که به آن دست می یابد آن را معتبر می داند و می فرماید:

ما معتقدیم که تجربه دینی را خود دین پی افکنده است و خوشبختانه در متون معتبر دینی شواهد زنده ای از تجربه دینی داریم. این تجربه برای کسی که به آن دست می یابد معتبر است. نکند که غرب زده ها و دل باختگان فرهنگ غربی تصور کنند که تجربه دینی ارمغانی نو و ابداع و ابتکاری از غرب است. ما دست آوردهای آن ها را در این زمینه ارج می نهیم و حتماً مقاله ای را بدان اختصاص می دهیم ولی شایسته نیست که رهگشایی های دین را در زمینه تجربه دینی نادیده انگاریم و کام جان را از این سرچشمه فیاض ارضا و اشباع نکنیم. (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

نگاه استاد بهشتی نسبت به تجربه دینی نگاهی کاملاً معتدل است و مثل شلایرماخر، اصل و اساس دین و دینداری را تجربه دینی نمی داند و اعتقاد ندارد که در همه موارد آموزه ها و مناسک و شعائر دینی از تجربه دینی برمی خیزند و به تعبیری تفسیر تجربه اند بلکه تجربه دینی را برای کسی که به آن دست می یابد معتبر می داند.

### عوامل ظهور تجربه گرایی از منظر دو فیلسوف

شلایرماخر کاملاً فیلسوفی تجربه گراست. چون اصل و اساس دین را در تجربه خلاصه می کند اما عامل اصلی زمینه ساز تجربه گرایی این فیلسوف و این که او اساس و اصل دین را تجربه می داند را می توان این امر تلقی کرد که مضامین تحریف شده کتاب مقدس را در تعارض با عقل و فهم بشری دید. او

دین را از الهیات و آموزه های عقلانی جدا ساخته یا دین را از حملات شک گرایان و منتقدان برهانند.

حضرت آیت الله جوادی عاملی در این باره می فرماید:

فقدان تفکر عقلی و ضعف مبانی فکری تام فلسفی، گروهی از اندیشمندان و متکلمان مسیحی را به سوی برخی از مواعظ خطابی و گفته هایی که بی بهره از اتقان برهانی هستند سوق داده و از آن پس گفتگوهای آشفته و بی سامانی پیرامون طرفداران و مخالفان آن در گرفته است. از جمله براهینی که فاقد صورت فلسفی و برهانی است استدلالی است که برهان تجربه دینی نام گرفته است و مبتنی بر تجربه ها، دریافت ها و شهودهای افراد نسبت به واقعیتی است که از ارزش و قداستی عمیق برخوردار است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۹).

سیدحسین حسینی نیز در این باره می نویسد:

شلایرماخر مضامین کتب مقدس را در تعارض با علم و فهم بشری می دید. وی بر این مبنا، گوهر دین را احساس و توجه به بی نهایت خوانده، آن را از مقولات معرفتی و نظری خارج می دید. شلایرماخر افکار و باورها و اعمال دینی را صرفاً تجلی احساسات و معلول آن می دانست. بنابراین، از دیدگاه وی، جوهر دین داری، نوعی تجربه دینی است و باورها و اعتقادات و معارف و اخلاق و اعمال و شرایع دینی فرع آن امری است که تجربه دینی خوانده می شود. (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۸).

در دنیای اسلام زمینه تجربه گرایی به صورتی که در دنیای مسیحیت به وجود آمده وجود نداشته و بین تعالیم اسلام و آموزه های آن و عقل هیچ گونه تعارضی وجود ندارد.

چنان که امام علی علیه السلام در مورد صفات خدا می فرماید:

«خدا فرزندی ندارد تا فرزند دیگری باشد و زاده نشده تا محدود به حدودی

گردد و برتر است از آن که پسرانی داشته باشد، و منزه است که با زنانی ازدواج کند». اندیشه‌ها به او نمی‌رسند تا اندازه برای خدا تصور کنند و فکرهای تیزبین نمی‌توانند او را درک کنند، تا صورتی از او تصور نمایند حواس از احساس کردن او عاجز و دست‌ها از لمس کردن او ناتوان است و تغییر و دگرگونی در او راه ندارد و گذشت زمان تأثیری در او نمی‌گذارد، گذران روز و شب او را سالخورده نسازد و روشنایی و تاریکی در او اثر ندارد. خدا با هیچ یک از اجزاء و جوارح و اعضاء و اندام و نه با عَرْضی از اعراض و نه با دگرگونی و اجزاء وصف نمی‌گردد. برای او اندازه و نهایت و انقطاع و غایتی نیست.<sup>۲</sup> (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۶۲)

این کلام نورانی امام علی علیه السلام در اوج تعقل و تفکر است و با براهین فلسفی کاملاً سازگاری دارد. استاد بهشتی با توجه به این کلام نورانی علوی و صدها روایت دیگر و آیات قرآن باورها و آموزه‌های دینی را با ادله فلسفی و برهان عقلانی به اثبات می‌رساند و برای اثبات آن‌ها نیازی به تجربه صرف نمی‌بیند چرا که زمینه فرهنگی که شخصیت این دو فیلسوف در آن شکل گرفته کاملاً متفاوت است. استاد بهشتی معتقد است که تجربه دینی را خود دین پی افکنده و در متون معتبر دینی شواهد زنده‌ای از تجربه دینی داریم و تجربه دینی برای کسی که به آن دست می‌یابد معتبر است و باید کام‌جان را از این سرچشمه فیاض ارضا و اشباع نماید اما برای اثبات باورهای دینی علاوه بر تجربه دینی به براهین فلسفی و دلایل عقلانی توجهی خاص دارد.

### وجوه مشترک دیدگاه دو فیلسوف درباره تجربه دینی

به نظر می‌رسد بین دیدگاه دو فیلسوف در باب تجربه دینی وجوه مشترک قابل توجهی وجود نداشته باشد چون بستر پیدایش نظریه تجربه دینی توسط

شلایرماخر و فضای فرهنگ مسیحیت با فضا و فرهنگ اسلامی کاملاً متفاوت است. شلایرماخر زمانی تجربه دینی را مطرح کرد که مضامین کتب مقدس را در تعارض با عقل بشری می دید. وی بر این مبنا گوهر دین را احساس و توجه به بی نهایت خواند. در صورتی که در دنیای اسلام هیچ کدام از مضامین کتاب مقدس قرآن در تعارض با عقل نیست بلکه بر عقلانیت و تفکر تأکید دارد. در این باره از امام علی بن الحسین علیه السلام درباره سوره توحید سوال کردند، فرمود: «خداوند متعال می دانست که در آخرالزمان اقوامی می آیند که در مسائل تعمیق و دقت می کنند، لذا سوره قل هو الله احد و آیات آغاز سوره حدید، تا علیم بذات الصدور را (پیرامون مباحث توحید و خداشناسی) نازل فرمود، هر کس بیش از آن را طلب کند هلاک می شود. (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۱۲۳) شاید امروز همان روزی باشد که حضرت علی بن الحسین علیه السلام پیش بینی می کند که اقوامی می آیند و در مسائل تعمیق و دقت می کنند!

حضرت آیت الله بهشتی تجربه دینی را برای کسی که به آن دست می یابد معتبر می داند ولی اساس و مبنای دین را تجربه دینی نمی داند. براین اساس نگارنده معتقد است که وجه اشتراک چندانی بین نظر دو فیلسوف در باب تجربه دینی وجود ندارد.

### اصالت تجربه دینی از منظر دو فیلسوف

شلایرماخر معتقد است که تجربه دینی علت باور دینی است (تقدم وجودی تجربه دینی بر باور دینی). بابک عباسی در کتاب تجربه دینی و چرخش هرمنوتیکی (بررسی و نقد آرای ویلیام آلتون) که رساله دکتری وی در رشته فلسفه غرب است می نویسد:

«می توان گفت به اعتقاد شلایرماخر تجربه دینی علت باور دینی است (تقدم وجودی تجربه دینی بر باور دینی)، تجربه دینی کاشف از امر دینی است، تجربه دینی داده بی واسطه دینی است، و مهم تر از همه این که الهیات و آموزه های دینی - بنا به صورت بندی ما - هیچ اصالت و مرجعیتی از نزد خود ندارند. این حکم، خواه آن را نوعی نقد بدانیم خواه نه، درست است که در الاهیات شلایرماخر سخن گفتن از خدا و اوصاف او به سخن گفتن از تجربه انسان از خدا و اوصاف این تجربه بدل می شود و شاید عمیق ترین معنای اصالت تجربه دینی همین باشد.» (عباسی، ۱۳۹۱: ۳۶).

«بعضی از صاحب نظران معتقدند که در نظریه شلایرماخر درباره دین، حس دینی مقدم بر آموزه ها و باورهای دینی است و باورهای دینی در حقیقت وصف الحال یا بیان و ترجمان (expression) شهودهای دینی اند. گزاره های دینی برخی صرفاً بیان شهودهای دینی و برخی تأملاتی ثانوی بر یافت های اصیل حس دینی اند شلایرماخر در ایمان مسیحی می گوید آموزه های دینی شرح و روایت هایی از احوال دینی اند که به لباس عبارت درآمده اند. تعالیم دینی، در همه صور آن، در احوال و عواطف حاصل از خودآگاهی دینی ریشه دارند. به نحوی که اگر این احوال نبودند آن تعالیم به وجود نمی آمدند. به این ترتیب، شلایرماخر بر ویژگی ثانوی و فرعی الهیات تأکید می کند. حاصل آن که از نظر شلایرماخر دین یعنی خداآگاهی و این خداآگاهی از طریق احساس یا دل آگاهی ای میسر می گردد که مضمون آن وابستگی مطلق ما موجودات متناهی به خدای نامتناهی است. به زعم شلایرماخر این حس دینی درونی و احساس مربوط به آن ما را از دلایل عقلی و نقلی دینی بی نیاز می کند.» (همان، ص ۳۵-۳۴)

بنابراین از دیدگاه شلایرماخر تجربه دینی همیشه تقدم وجودی بر

باورهای دینی دارد در صورتی که در اسلام و از منظر حضرت آیت الله بهشتی در اکثر موارد باورهای دینی مقدم بر تجربه دینی است و اصالت با باورهای دینی است نه تجربه دینی ولی گاهی تجربه دینی مقدم بر باورهای دینی است.<sup>۳</sup> چنان که علی علیه السلام در جواب مردی که از او پرسید: با چه چیز پروردگارت را شناختی، فرمود:

«خدای را به فسخ شدن تصمیم ها و گشوده شدن گره ها و نقض اراده ها شناختم.»<sup>۴</sup> (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۸۰).

در این کلام نورانی تجربه دینی مقدم بر باورهای دینی است و فسخ شدن تصمیم ها و گشوده شدن گره ها و نقض اراده ها باعث شناخت خداوند و ایمان به او می گردد. از طرفی برای هر مسلمان معتقد به باورهای دینی، تجربه دینی هنگام انجام مناسک و شعائر دینی و عبادات رخ می دهد، برای مثال در حال نماز یا انجام مراسم حج و مانند آن. بنابراین دیدگاه دو فیلسوف در این باره نیز متفاوت است.

### نتیجه

در مقایسه دیدگاه این دو فیلسوف باید بیان کرد که تجربه دینی با توجه به بستر فرهنگی و رویش آن در جهان غرب و اسلام رویکردی کاملاً متفاوت دارد. اساس دین ما را برهان و دلیل و تعقل تشکیل می دهد در صورتی که در غرب اساس دین، تجربه دینی است که بر پایه احساس استوار است نه معرفت و تعقل و تفکر. و حتی از دیدگاه شلایرماخر همیشه تجربه دینی علت باورهای دینی است (تقدم وجودی تجربه دینی بر باور دینی) در حالی که در مکتب اسلام و از دیدگاه استاد بهشتی انسان در حال انجام مناسک و عبادات ممکن است تجربه

دینی را از سر بگذرانند بنابراین باورهای دینی در اکثر موارد از نظر استاد بر تجربه دینی تقدم دارد.

در باب شباهت ها باید گفت که هر دو فیلسوف تجربه دینی را در اثبات باورهای دینی معتبر می دانند. البته شلایرماخر راه افراط پیموده و عقل و براهین فلسفی را نادیده انگاشته و معتقد است که آموزه های دینی را باید نفی نمود ولی استاد بهشتی در کنار تجربه دینی اهمیتی خاصی برای ادله عقلی و براهین فلسفی در اثبات باورهای دینی قائل است و توجه بیشتری به ادله عقلی و براهین فلسفی در اثبات باورهای دینی دارد. ضمن اینکه به نظر استاد، دین آگاهی از امر متعالی است و تجربه دینی راه یافتن و سرسپردگی در برابر آن امر متعالی است. قرآن این امر متعالی را خدا معرفی می کند و تجربه دینی موجب آرامش انسان می گردد.

جان فدای تو که هم جانی و هم جانانی

هر که شد خاک درت رست ز سرگردانی

پس شایسته است که کام جان از این سرچشمه فیاض (تجربه دینی) سیراب گردد.

### پی نوشت ها

۱. من عرف نفسه فقد عرف ربه، ثم عليك من العلم بما يصح العمل إلاً به، و هو الإخلاص.
۲. لَمْ يَلِدْ فَيَكُونَ مَوْلُوداً، وَ لَمْ يُولَدْ فَيَصِيرَ مَخْلُوداً. جَلَّ عَنِ اتِّخَاذِ الْأَنْبَاءِ، وَ طَهَّرَ عَنِ مُلَامَسَةِ النِّسَاءِ. لَا تَنَالُهُ الْأَوْهَامُ فَتَقْدَرُهُ، وَ لَا تَتَوَهَّمُهُ الْفُطُنُ فَتُصَوِّرُهُ. وَ لَا تَذَرِكُهُ الْحَوَاسُّ فَتُجَسِّدُهُ وَ لَا تَلْمَسُهُ الْأَيْدِي فَتَمَسُّهُ. وَ لَا يَتَغَيَّرُ بِحَالٍ، وَ لَا يَبْدَلُ فِي الْأَحْوَالِ. وَ لَا تُبْلِيهِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامُ، وَ لَا يُغَيِّرُهُ الضُّبَابُ وَ الظُّلَامُ. وَ لَا يُوصَفُ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَجْزَاءِ، وَ لَا بِالْجَوَارِحِ وَ الْأَعْضَاءِ. وَ لَا بَعْرَضٍ مِنَ الْأَعْرَاضِ، وَ لَا بِالْغَيْرِيَّةِ وَ الْأَبْعَاضِ. وَ لَا يُقَالُ لَهُ حَدٌّ وَ لَا نِهَآيَةٌ، وَ لَا انْقِطَاعٌ وَ لَا غَايَةٌ...
۳. نگارنده از این دیدگاه حضرت آیت الله بهشتی، در مصاحبه ۱۳۹۲/۴/۱ با ایشان مطلع شده است.
۴. عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم، وحل العقود، و نقض الهمم.

### کتابنامه

۱. بهشتی، احمد، (۱۳۸۷)، *تأملات کلامی و مسائل روز*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲. ----- (۱۳۸۶)، *فلسفه دین*. چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
۳. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، *تبیین براهین اثبات خدا*، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. دشتی، محمد، (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ اول، قم: نشر روح.
۵. عباسی، بابک، (۱۳۹۱)، *تجربه دینی و چرخش هرمنوتیکی*، بررسی و نقد آرای ویلیام آلتون، چاپ اول، تهران: هرمس.
۶. کاپلستون، فردریک چارلز، (۱۳۸۸)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه داریوش آشوری، دوره ۹ جلدی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی - سروش.
۷. کلینی الرازی، ابی جعفر محمدبن اسحاق، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، دوره ۴ جلدی، جلد ۱، تهران: انتشارات قائم.
۸. لین، تونی، (۱۳۸۰)، *تاریخ تفکر مسیحی*، روبرت آسریان، چاپ اول، تهران: نشر فروزان.
۹. مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، *بحارالانوار*، ج ۲، دارالکتب الإسلامیه.